

کام از نام (۴)

شرحی عرفانی بر اسماء جوشن کبیر
سالک الی الله سید علی نجفی (ره)

چون میسر نیست با من کام او

عشق باری می کنم با نام او

عنوان و پدیدآور: کامی از نام (۴)، شرحی عرفانی بر اسماء جوشن کبیر، سالک الی الله سید علی نجفی (ره) / هیئت تحریریه مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۰-۳۰-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا.

موضوع: نجفی یزدی، سید محمد علی، ۱۳۲۶-۱۳۷۱ - - پیام ها و سخنرانی ها.

موضوع: خدا - - نام ها. موضوع: خدا - - صفات.

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس.

رده بندی کنگره: BP ۱۵۳/۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۹۲

شماره کتابخانه ملی: ۸۷۳۹۳۹۸

عنوان: کامی از نام (۴)، شرحی عرفانی بر اسماء جوشن کبیر، سالک الی الله سید علی نجفی (ره)

پدیدآور: هیئت تحریریه مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس

ناشر: انتشارات مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس

نوبت چاپ: دوم، بهار ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۶۸,۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان میر عماد، نبش کوچه دوست محمدی، پلاک ۱۵.

تلفن: ۰۹۱۰۱۹۳۲۱۱۴، ۸۶۰۳۰۹۵۱

آدرس سایت: www.shamsbook.com پیج اینستاگرام: @shams_publication

مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس

دانشجویان دانشگاه های تهران

فهرست مطالب

مختصری از شرح حال سید محمدعلی نجفی یزدی ؛ ك

مقدمه

- ۳ بحثی در نسبت اسما با ذات الهی
- ۳ ذات بدون اسم قابل نسبت
- ۳ دلیل عقلی بر اسم «یا مَنْ لا یُری فی مُنتَهی شَیْء»
- ۴ بایک حقیقت بی نهایت، غیری قابل تصور نیست
- ۴ عالم فقط جلوه اوست
- ۵ (سِدْرَةُ الْمُنتَهَى) منتهای پرواز ادراکات همه است
- ۵ نهایت معرفت درک عجز در معرفت اوست
- ۷ معنای «الحاد در اسما»
- ۷ «نفی صفات» یعنی اندکاک صفت در ذات
- ۷ آیا چیزی هست که با ذات نسبت نداشته باشد؟!
- ۹ انسجام عالم دلیل بر وحدت است
- ۱۰ تنزیه نباید به تعطیل منجر شود
- ۱۰ اشکال داشتن در توحید به تمام شئون انسان تسری می یابد
- ۱۰ روش درست نفی صفات و تنزیه خدا
- ۱۰ ارث حضرت حق در تمام موجودات هست
- ۱۱ توحید فوق عقل است، اما متضاد با عقل نیست

شرح اسم «یا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِإِذْنِهِ»

- ۱۵ معانی «آسمان» و «زمین»

- ماهیت روح و نسبت آن با ملائکه ۱۵
- مدیر و مدبر آسمان ها و ملائک عالم امر است. ۱۵
- «سماوات»، جنبه فاعلیت خداوند ۱۵
- جنبه فاعلیت حضرت حق «آسمان» نامیده می شود. ۱۶
- «ارض»، استعداد و گیرندگی فیوضات آسمانی توسط موجودات ۱۶
- استعداد دریافت فیض، تنها سرمایه موجودات ۱۷
- هیچ چیزی منهای خدا حتی در حد قابلیت هم وجود ندارد. ۱۷
- قابلیت و فاعلیت هر دو افاضه خداست. ۱۷
- قابلیت و فاعلیت هر دو از خداست ۱۸
- دیدن قابلیت و استعدادها از خدا انانیت انسان را کم می کند ۱۸
- قابلیت و فاعلیت در مراتب بالا یکی است. ۱۸
- سر رکوع بعد از قیام در نماز ۱۹
- توجه به خود از حجاب های غلیظ است. ۱۹
- حجاب های ظلمت و نور ۲۰
- درک لذت آزادی از خود و اثرات آن ۲۰
- خودبینی های ظلمانی و نورانی مانع از مطلق شدن انسان است. ۲۱
- هریک از تعلقات گره ای برای بستن روح است. ۲۱
- در برزخ حجاب های قابل برداشته شدن خیلی بطنی برداشته می شود. ۲۱
- بهشت و نعيم بهشت در این صراط خلاصی از خود است. ۲۲
- سیک و بدون قید و شرط شدن انسان را به عالم بالا نزدیک می کند. ۲۳
- دلیل دوری ما از حضرت ولی عصر علیه السلام ۲۳
- جای حضرت ولی عصر علیه السلام ۲۳

شرح اسم «یا کاشِفَ الْبَلَايا»

- منشأ بلايا و شرور ۲۹
- نسبت بین خیر و شر رابطه ملکه و عدم ملکه است. ۲۹
- ماهیت شر ۲۹
- فکر ثنویه در اعتقادات برخی غیر از آنان هم دیده می شود. ۳۰
- در عرصه تکوین، مخالفت با خدا امکان پذیر نیست. ۳۱
- مشیت الهی، تنها مشیت جاری در هستی ۳۱

هیچ چیزی در عالم بی مشیت خدا نیست.	۳۲
مخلوق بودن و مستقل بودن جمع نقیضین است.	۳۲
تفاوت مفهوم «مشیت» و «علم»	۳۳
عوامل تسلط شیطان بر انسان در قرآن	۳۴
معنای «استعاذه»	۳۴
معنای «کاشف البلیا»	۳۶
فرق دفع و رفع بلا	۳۶
یکی از معانی «کشف» ظاهر و آشکار کردن است.	۳۶
جهات جمیل بودن بلا	۳۷
بلا، هدیه و پیک دعوت خدا	۳۷
بلا، هدیه خدا به مؤمن	۳۷
بلا با بریدن تعلقات غیر خدایی پیک دعوت به سوی اوست.	۳۷
اتحاد عمل و جزا برای مؤمن	۳۸
برای گناهکاران هیچ جزایی نیست.	۳۸
برای مؤمن عذابی بالاتر از فراق خدا نیست.	۳۹
سایه خدا بودن، تنها دل خوشی مؤمن	۴۰
تجلی اسم «حَادُّ کُلِّ مَحْدُود»	۴۰
جمع بین درخواست رحمت خدا و فراگیر بودن وسعت رحمت او.	۴۱
بلا، نشان دهنده عظمت و استغنائی خدا	۴۳
علت ابتلای اولیا و ائمه :	۴۴
بلا، اقتضای ظهور اسماء «عزیز» و «قاهر» الهی.	۴۴
بلا یعنی فقط خداست که ضد و ند ندارد.	۴۶
بلایا از مظاهر «یا قاهر» است.	۴۷
در مسیر الی الله تا جایی، رحمت خدا جلو می برد و از جایی قهر.	۴۷
درک امام حسین (علیه السلام) از سختی ها و سوز دلشان در کربلا از همه بیشتر بود.	۴۹
شرح اسم «یا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ»	
علم و حیات در همه موجودات ساری و جاری است.	۵۳
علم و حیات هر موجودی به میزان درجه وجودی اش است.	۵۳

- رسول اکرم 9 ، ظاهر کنندۀ تسبیح جمادات و حیوانات..... ۵۴
- شناخت موجودات به خدا شناخت حقیقی است..... ۵۵
- شناخت خدا به وسیلۀ مخلوقات مثل عصای دست نابیناست..... ۵۶
- اگر شناخت از بالا به پایین باشد، علم و حیات همه موجودات قابل درک می شود..... ۵۶
- خدا ظاهرترین است..... ۵۶
- اقتضای ظهور عظمت الهی..... ۵۷
- اقتضای تجلی عظمت الهی..... ۵۷
- سیال بودن جوهر عالم..... ۵۸
- برداشت هر کسی از عالم به اندازه فهم اوست..... ۵۹
- تمام عالم در سریان و تکاپوست..... ۵۹
- افاضۀ فیض در عالم آن به آن است..... ۶۰
- مستقل دیدن موجودات شرک و جهل است..... ۶۱
- یک حدیث و دو منظر..... ۶۱
- ثمرۀ سیال دیدن عالم..... ۶۱
- درک معاد در پرتو حرکت جوهری عالم..... ۶۲
- معاد جسمانی است، نه جسدانی..... ۶۳
- رابطۀ جسد، جسم و روح..... ۶۴
- تنویر قلب با سلوک و ریاضات شرعی حاصل می شود..... ۶۴
- انشقاق کوه انانیت در وادی خوف الهی..... ۶۴
- منظور از «کوه» در داستان حضرت موسی علیه السلام هستی او بود..... ۶۵
- کوه منیت حجاب سنگین و سیاهی بین ما و خداست..... ۶۵
- درهم شکستن کوه منیت با مخافت الهی در دل است..... ۶۵
- دیدن خدا با دیدن خود امکان ندارد..... ۶۶
- دیدن خود علامت پابرجا بودن جبل هستی است..... ۶۷
- با کوه منیت، عبادت ها اثر معکوس دارد..... ۶۸
- علت سقوط ابلیس کوه منیت او بود..... ۶۸
- باد استغنائی الهی جایی برای خودمانی شدن نمی گذارد..... ۷۱
- رحم از صفات ذاتی الهی نیست..... ۷۱
- آخر کار، صفت قهاریت بر سایر صفات جلوه می کند..... ۷۲

- معنای «مَخَافَتِه» خوف از خداست، نه خوف از گناه..... ۷۲
- رفتار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مشاهده جلال..... ۷۲
- و جمال الهی..... ۷۲
- هیچ کسی در عالم بیمه نیست..... ۷۳
- بدون استثنا همه گردن‌ها باید در مقابل او خم شود..... ۷۴
- طلب خشوع ایمان قبل از خشوع ذلت‌بار در جهنم..... ۷۴

شرح اسم «یا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَیْءٍ لِهِيبَتِهِ»

- نقش خوف و انذار در تربیت نفس..... ۷۹
- ملاحظه اسماء جلالی هم سازنده و هم پیشگیری کننده است..... ۷۹
- انذار برای قلب مانند عایقی در برابر مهلکات است..... ۸۰
- جایی که رحم کردن برای خداوند قبیح است..... ۸۰
- جریان قسم شیطان و وعید خدا در مورد پیروان او جدی و خطرناک است..... ۸۲
- قابل جمع بودن انذار با رحمت اسماء الهی..... ۸۳
- تلخی خوف، زاینده شیرینی اسماء الهی..... ۸۳
- تأثیر انذار در عملکرد سالک..... ۸۳
- خوف حجاب توجه به خود را کنار می‌زند..... ۸۳
- خوف حجاب توجه به خود را کنار می‌زند..... ۸۴

شرح اسم «یا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَیْءٍ مِنْ خَشِيَّتِهِ»

- فرق «خوف» و «خشیت»..... ۸۷
- در خوف ملاحظه خود است و در خشیت ملاحظه عظمت خدا..... ۸۸
- خوف با امان دادن برطرف می‌شود، اما خشیت نه..... ۸۸
- خوف و لذت حقیقی..... ۸۸
- نشانه آبادی و خرابی دل‌ها..... ۸۸
- محبوب بودن از خدا انسان را گرفتار هر تاریکی و ظلمتی می‌کند..... ۸۸
- بعضی از حجاب‌ها اگر در دنیا برداشته نشود، در آخرت هم برداشته نخواهد شد..... ۸۹
- خوف و لذت حقیقی: ملاحظه اسماء جلال و جمال الهی..... ۹۱
- محبت، روش خلاص شدن از مشکلات..... ۹۳
- در کربلا منطق محبت حاکم بود..... ۹۴

۹۵ محبت خدا و رسول باید بر محبت غیر بچرید.

۹۵ سلسله جنیان عشق و محبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام هستند.

شرح اسم «یا دافع»

۹۹ ابتلای ذاتی مخلوقات

۱۰۰ «لَا ضِدَّ لَهُ وَلَا يَنْدُ لَهُ»، صفت وجه الله

۱۰۰ هر صحبتی در مورد خدا در اصل صحبت در مورد وجه الله است، نه ذات.

۱۰۲ بلا و آفت واقعی بلا و آفت ایمانی است

۱۰۳ همت شیاطین در رساندن آفات ایمانی است.

۱۰۴ حقیقت «استعاذه»، فراموشی شیطان بر اثر غلبه نور حق

۱۰۴ تفاوت اسم‌های «یا دافع» و «یا رافع»

۱۰۶ دنیا، از آفت تا رحمت

۱۱۳ بلای عظیم، جدا بودن از خدا

شرح اسم «یا رافع»

۱۱۹ ترفیع درجات هستی

۱۱۹ استعداد محض و فعلیت، دو حاشیه هستی

۱۲۰ آغاز صعود هر موجودی از نقطه صفر هستی است.

۱۲۱ رجوع الی الله، نهایت رفعت موجودات

۱۲۱ تحول دائمی انسان در دار دنیا با حرکت جوهری

۱۲۲ رجوع الی الله تنها توجیه کننده فعل خداوند است.

۱۲۳ فاصله ما تا رجوع الی الله جهل ماست.

۱۲۳ هدف انبیا کمک به آمادگی انسان برای لقاء الله است.

۱۲۴ اعتقاد درست با اعمال، رفتار و اخلاق صالح به سرمنزل مقصود می‌رسد.

۱۲۴ مقامات اخروی و مقامات صوری بهشت هدف نهایی نیست.

۱۲۴ ترفیع به مقام فیض الله

۱۲۵ تمرین رجعت در نماز است.

۱۲۷ هدف عبودیت رسیدن به مقام فیض الله است.

۱۲۸ معنای «بقای وجه الله» و «فنای همه چیز»

۱۳۰ منازل برزخ و سختی‌های راه برای فهمیدن آرامگه یار است.

- دنیای مادی، مهم‌ترین مرحله رجوع الی الله..... ۱۳۰
- سرعت حرکت در دنیا خیلی سریع‌تر از برزخ و قیامت است..... ۱۳۲
- توحید، منزل نهایی..... ۱۳۳
- نهایت توحید اندکاکِ اسما در مقام ذات است..... ۱۳۴
- رجعت افراد به سبب اقتضای وسعت وجودی‌شان است..... ۱۳۶
- معنی «لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»..... ۱۳۷
- «شهادت طلبی» به معنای جنگ طلبی نیست..... ۱۳۸

شرح اسم «یا مانع»

- سلوک عقل تا تجلی اسم «یا مانع»..... ۱۴۳
- انبیا به دلیل عقل مردم را دعوت می‌کردند..... ۱۴۳
- استدلال امام علیه السلام صادق برای منکر وجود خدا..... ۱۴۴
- خلق جدید دائم، دلیل وجود خداوند..... ۱۴۴
- رسوبات ذهنی، مانع درک حقیقت..... ۱۴۵
- واردات دل یک موحد با آب تنزیه پاک می‌شود..... ۱۴۶
- فرق مؤمن با کافر در شناخت خالق..... ۱۴۷
- برای درک حقیقت باید، تمام عادات، رسوم و القائنات موهوم را دور نمود..... ۱۴۸
- مقام حیرت، بعد از تجلی اسم «مانع» الهی..... ۱۴۹
- شست و شوی دائمی فکر یا توحید..... ۱۴۹
- تفاوت ادب اولوالالباب با دیگران..... ۱۵۰
- حل مسائل با فهم ارتباط خدا و خلق..... ۱۵۰
- تمام ذلت در اسم «یا مانع» ظهور می‌کند..... ۱۵۲
- سرگیسوی معشوق..... ۱۵۲

شرح اسماء «یا ذَا الْحَمْدِ وَ الثَّنَاءِ، یا ذَا الْفَخْرِ وَ الْبَهَاءِ، یا ذَا الْمَجْدِ وَ السَّنَاءِ»

- وجود منبسط، حقیقت حمد..... ۱۵۷
- اسامی مختلف حقیقت حمد..... ۱۵۷
- حقیقت حمد عالم را پر کرده است..... ۱۵۷
- فرق «نور» با «سنا»..... ۱۵۸
- حقیقت حمد، (شَرَاباً طَهُوراً)..... ۱۵۹

- توقیفی بودن در تسمیه است، نه در توصیف. ۱۵۹.....
- دلیل توقیفی بودن اسما ۱۵۹.....
- مراتب هستی، تجلیات حقیقت حمد ۱۶۰.....
- هیچ موجودی نیست که جلوه گاه وجه الله نباشد. ۱۶۰.....
- حقیقت حمد، ظهور کلام الهی در کتاب هستی ۱۶۱.....
- درک کلام الله بودن عالم با تلطیف سر حاصل می شود. ۱۶۲.....
- هر زیبایی مادی و معنوی و ملکی و ملکوتی تجلی حقیقت حمد است. ۱۶۳.....
- با ذهن آلوده به رسوبات ذهنی، نمی توان وارد محدوده توحید شد. ۱۶۴.....
- مقام ذات با مقام جلوات ذات فرق دارد. ۱۶۵.....
- سر ذات امکان فاش شدن ندارد. ۱۶۵.....
- اسماء جلالی و جمالی هر دو ظهور دارد. ۱۶۶.....
- «بی همگان به سر شود بی تو به سر نمی شود» ۱۶۷.....

شرح اسم «یا مَنْ ذَا كُلِّ شَیْءٍ لِعِزَّتِهِ»

- معنای اسم «عزیز» ۱۷۳.....
- اسم «عزیز»، شبیه اسم ذات. ۱۷۳.....
- اسماء ذات منسوب به خداوند در حقیقت اسماء وجه حمد است. ۱۷۳.....
- نفی صفات از ذات الهی ۱۷۳.....
- «نفی صفات» به معنای سلب صفات نیست. ۱۷۵.....
- خدای متصور خدای وهمی است. ۱۷۶.....
- معنی «الحاد» ۱۷۷.....
- ذلت عبودیت، درک عزت ربوبیت. ۱۷۷.....
- هیچ چیز موجودی که صفاتش عین ذاتش نباشد مال خودش نیست. ۱۷۷.....
- درک ذلت، زمینه ساز بروز جلوات الهی ۱۷۸.....
- «حجاب» یعنی در هر کمالی خود را مستقل دیدن. ۱۷۸.....
- فقط ظاهر عنایات الهی را دیدن حجاب برای درک عنایات بالاتر است. ۱۷۸.....
- کمال با فراموش کردن منشأش مضر می شود. ۱۷۹.....
- ثمره اصرار اولیا در اقرار به نقص خود در مقابل خدا درک کمال خداست. ۱۸۰.....
- سجده نهایت خاکساری در مقابل خداست که اولیای خدا در آن مشاهدات دارند. ۱۸۰.....

- عزت ذاتی و درک ذلت تکوینی ۱۸۰
- انسان متکبر هم دلیل و هم محروم از درک ثمرات تذلل در مقابل خداست. ۱۸۱
- شب عاشورا متوهمان را از اهل حقیقت غربال کردند. ۱۸۲
- موجودات، همه تسبیح گوی او. ۱۸۹

شرح اسم «یا مَنْ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ»

- تسبیح در سایه تحمید ۱۹۰
- درک نقایص در سایه فهم کمال است. ۱۹۰
- شناخت هستی از بدیهی ترین شناخت هاست. ۱۹۱
- حقیقت حمد و اسامی مختلف آن ۱۹۱
- حقیقت هستی به خاطر فراگیر بودنش مجهول است. ۱۹۱
- نقایص به هستی بر نمی گردد. ۱۹۲
- چرایی درک نقایص ۱۹۲
- ختم شدن تسبیح به تحمید ۱۹۲
- ماهیت جهنم ۱۹۲
- مایه جهنم خلأ، نداری و نقص است. ۱۹۳
- معنای «خالق خیر و شر بودن خدا» ۱۹۳
- پرهیز از شرور امری جدا از انجام خیرات نیست. ۱۹۴
- راز «احد احد» گفتن بلال حبشی ۱۹۴
- رابطه لعن و سلام مثل مقدمه و ذی المقدمه است. ۱۹۵
- گمراهی با تسبیح بدون تحمید ۱۹۶
- تسبیح بدون پشتوانه تحمید درست نیست. ۱۹۶
- «کَلِمَ طَیِّبٌ» سه کلمه است. ۱۹۸

شرح اسم «یا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ»

- در معنای «آسمان» ۲۰۳
- انواع آسمان ۲۰۳
- ساکنان آسمان ملکوت ملائک اند. ۲۰۳
- سلوک انسان در نظر به آسمان مُلکی ۲۰۴
- توجه به بزرگی و عظمت آسمان به درک کوچکی خود کمک می کند. ۲۰۴

۲۰۵	با نگاه عقلی، دید انسان محتوا پیدا می کند.
۲۰۷	آسمان، ملکوت عالم و ساکنانش
۲۰۷	رزق از آسمان ملکوت است.
۲۰۷	ایمان به ملائکه از ارکان ایمان است.
۲۰۸	ایمان به ملکوت و ملائکه فرع ایمان به خداست.
۲۰۸	در معرفت حقیقی، از شناخت خدا، شناخت نبی حاصل می شود.
۲۰۹	تدبیر عالم مُلک در آسمان ملکوت
۲۰۹	دیدگاه مرحوم فیض علیه السلام در مورد ملائکه
۲۱۲	ابراهیم علیه السلام دائماً ملکوت را می دید.
۲۱۲	عالم امر، مقوم عالم ملکوت
۲۱۲	عالم امر روح عالم ملکوت است.
۲۱۳	ملاحظه عالم امر فقط سرمایه انسان است.
۲۱۳	خودبینی، دلیل محدودیت ملائکه از عالم امر
۲۱۴	عالم امر، ذات مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام
۲۱۴	امیرالمؤمنین علیه السلام معلم جبرئیل
۲۱۹	فهرست منابع
۲۱۹	کتاب‌ها:
۲۲۷	سایت‌ها:
۲۲۸	نرم افزارها: